

The criteria and indices of production in resistive economy for measuring of production

Mojtaba Sheikhy Dehabady *
Mohammad Kazem Rajai Ramshe **
Abolfazl Emani Meybodi***

Received: 10/09/2020
Accepted: 25/04/2021

Abstract

The discovery of production criteria and indicators in the resistive economy to move on the path of implementation and measurement of Tayyeb production in the resistive economy is essential for the promotion of production.

With descriptive analytical method through conceptual explanation and using the statement of Imam Khamenei, five criteria are proposed as production criteria in the resistive economy: endogeneity & extroversion in the production, knowledge-based, to be Popular and jihadi, justice centered in the production and to be Tayyeb inputs and factor production. Also proposed indices by the same method to measure each of the five measures.

The targeting of these indices can be followed the promotion of Tayab production. There are indices such as the aggregation index of endogeneity & extroversion, combined index of knowledge-based, The ratio of the working hours of manufacturing practitioners to the level of balance (8 hours), the ratio of the average received factors of production to sufficient income for resolve the normal needs, the ratio of the value of the free Tayyeb inputs to the GDP and the coefficient of be Tayyeb of employees relative to production

Keywords: Criteria, Index, Endogeneity, Knowledge-based, Popular and Jihadi, Justice Centered, Tayyeb.

JEL Classification: C43, D63.

* PhD Graduated in Economics, Department of Economics, Imam Khomeini Institute, Qom, Iran (Corresponding Author) msheikhy97@chmail.ir

** Assistant Professor of Economics, Imam Khomeini Educational and Research Institute, Qom, Iran rajaae95@chmail.ir

*** PhD Graduated in Political Jurisprudence and International Relations, Al-Mustafa International University, Qom, Iran Abolfazlemami@chmail.ir

معیارها و شاخص‌های تولید در اقتصاد مقاومتی جهت سنجش تولید

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۲/۰۵

مقاله برای اصلاح به مدت ۱۵ روز نزد نویسندگان بوده است.

مجتبی شیخی ده‌آبادی*
محمد کاظم رجایی رامشه**
ابوالفضل امامی میبیدی***

چکیده

کشف معیارها و شاخص‌های تولید در اقتصاد مقاومتی جهت حرکت در مسیر اجرا و سنجش تولید طیب در اقتصاد مقاومتی برای ارتقای تولید بسیار ضروری است. با روش تحلیلی توصیفی از طریق تبیین مفهومی و با بهره‌گیری از بیانات امام خامنه‌ای، پنج معیار درون‌زایی و برون‌گرایی در تولید، دانش‌بنیانی، مردمی و جهادی بودن، عدالت‌محوری در تولید و طیب بودن منابع و کارگزاران تولید به‌عنوان معیارهای تولید در اقتصاد مقاومتی پیشنهاد می‌شوند. همچنین با همان روش برای سنجش هر یک از معیارهای پنج‌گانه، شاخص‌هایی پیشنهاد شده است. هدف‌گذاری این شاخص‌ها می‌تواند ارتقای تولید طیب را به‌دنبال داشته باشد. شاخص‌هایی از قبیل: شاخص تجمیعی درون‌زایی و برون‌گرایی، شاخص ترکیبی و کلان دانش‌بنیانی، نسبت ساعات کار مفید شاغلان تولیدی به میزان تراز (هشت ساعت)، نسبت میانگین دریافتی عوامل تولید به درآمد مکفی برای رفع نیازهای طبیعی، نسبت ارزش منابع غیرطیب به کل تولیدات ناخالص داخلی و ضریب طیب بودن کارگزاران تولید.

واژگان کلیدی: معیار، شاخص، درون‌زایی، دانش‌بنیانی، مردمی و جهادی، عدالت‌محوری، طیب.

طبقه‌بندی JEL: D63, C43

پرونده‌های علمی و مطالعات فرسنگی
پرتال جامع علوم انسانی

* دانشجوی دکتری علوم اقتصادی، گروه اقتصاد، مؤسسه امام خمینی (ره) (نویسنده مسئول)

msheikhy97@chmail.ir

** استادیار و عضو هیئت علمی، گروه اقتصاد، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)

rajae95@chmail.ir

*** دکترای فقه سیاسی و روابط بین‌الملل، جامعه المصطفی العالمیه (ره) (Abolfazlemami@chmail.ir)

مقدمه

تولید ملی و تقویت آن، نقش بسیار مهمی در تحقق اقتصاد مقاومتی دارد. رهبر معظم انقلاب، تقویت تولید ملی را «ستون فقرات اقتصاد مقاومتی» به حساب آورده (بیانات رهبری، ۹۴/۲/۹ و ۹۳/۲/۱۰) و آن را «حلقه اساسی پیشرفت اقتصاد»، «اساس کار» (بیانات رهبری، ۹۳/۱/۱، ۹۴/۲/۹)، و «یکی از پایه‌های اصلی کار در اقتصاد» (بیانات رهبری، ۹۲/۶/۲۶) دانسته‌اند. از طرفی بخش مهمی از ویژگی «درون‌زایی» اقتصاد مقاومتی، با تقویت تولید حاصل می‌شود.

کشف و معرفی معیارها و شاخص‌های تولید در اقتصاد مقاومتی، جهت سنجش تولید در اقتصاد مقاومتی ضروری است. این مقاله با روش تحلیلی - توصیفی از طریق تبیین مفهومی به دنبال کشف این معیارها و شاخص‌های تولید طیب است. برای دستیابی به معیار یک راه حرکت از طریق علل پیدایش و ارائه معیارهای پیشینی تولید است. در مقابل، شیوه دیگر، ارائه معیارهای پسینی برای سنجش تولید طیب از طریق تمرکز بر نتایج و پیامدهای اجرای آن است. در این مقاله از طریق تبیین مفهومی، به معیارهای پیشینی برای سنجش تولید پرداخته شده است.

۱. پیشینه

توکلی (۱۳۹۸) در کتاب شاخص تولید طیب؛ تولید طیب را به عنوان یک شاخص برای الگوی پیشرفت معرفی و آن را با تولید سبز مقایسه و سرانجام وی با نگاه سلبی معتقد است اگر شش نوع کالای زیر را از تولید ناخالص ملی کسر کنیم تولید طیب به دست می‌آید؛ کالاهای حرام و ناپاک؛ هزینه‌های تولید کالاهای نامرغوب؛ ارزش محصولات غیربازاری؛ استهلاک سرمایه؛ ارزش منابع طبیعی تخریب شده؛ حاصل جمع هزینه‌ها و منافع زیست‌محیطی - اجتماعی و فرهنگی - اخلاقی.

یوسفی (۱۳۹۵ الف و ب)، بعد از تعریف اقتصاد مقاومتی و تبیین ویژگی‌های هفت‌گانه آن (الهام‌بخشی از اسلام، مردم‌بنیادی، عدالت‌محوری، دانش‌بنیانی، درون‌زایی و برون‌گرایی، پیشرو، فرصت‌ساز و مولد بودن و جهادی بودن) به تبیین مؤلفه‌ها و شاخص‌های شش مورد انتهای پرداخته و در ادامه به مبانی و مدل‌های مشارکت مردمی در اقتصاد مقاومتی می‌پردازد.

رجایی و همکاران، (۱۳۹۴) در کتاب درآمدی بر شاخص‌های اقتصادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، در ضمن ارائه مجموعه‌ای از شاخص‌های اقتصادی پیشرفت، شاخص‌های بازار اسلامی را نیز ارائه کرده‌اند. رجایی (۱۳۹۸) در مقاله معیارهای عدالت اقتصادی نیز به معیارهای پیشینی و پسینی عدالت می‌پردازد.

پیغامی، سعدآبادی و عظیمی (۱۳۹۵) با بررسی مفاهیم متناظر با اقتصاد مقاومتی در جهان، یعنی «تاب‌آوری»، «ثبات اقتصاد کلان»، «اقتصاد پایداری» و «ضد شکنندگی اقتصادی» و شاخص‌های مرتبط با آن، به ارائه مدلی ترکیبی برای پایش اقتصاد مقاومتی در سه سطح تحلیل فردی، سازمانی و کلان (ملی) می‌پردازد.

خلیلیان و همکاران (۱۳۹۳) در کتاب معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام؛ یکی از معیارها را تأمین معاش ذکر می‌کند و برای سنجش آن، شاخص‌های حد کفاف، بهداشت و سلامت، تکافل اجتماعی و تدبیر معیشت را پیشنهاد می‌کند.

منظوری، نظرپور و رضایی (۱۳۹۵)، در مقاله «اصول و معیارهای اقتصاد مقاومتی در مرحله تولید، توزیع و مصرف با نگاهی به آموزه‌های قرآنی»، به صورت کلی به برخی از اصول و معیارهای برگرفته از قرآن مانند دانش‌بنیانی، شایسته‌سالاری، کار اقتصادی و مصرف بهینه امکانات، گسترش آزاد ثروت، مشارکت مردمی و ... و مقایسه آن با اصول برگرفته از سیاست‌های ابلاغی امام خامنه‌ای پرداخته است. ویژگی خاص این مقاله بهره‌گیری از یکی از منابع اصیل اسلامی است. براساس این تحقیق عمده اصول استخراجی از آیات قرآن، حاکی از اهمیت عرصه تولید در اقتصاد است. وجه‌تمایز این مقاله تمرکز بر کشف معیارها و شاخص‌های تولید در اقتصاد مقاومتی و پیشنهاد شاخص‌هایی برای سنجش آن معیارها است.

۲. معیارهای تولید در اقتصاد مقاومتی

معیار در لغت به اندازه، پیمان، ترازو، سنگ محک و وسیله سنجش اشیا معنا شده است. (ر.ک: دهخدا، ۱۳۷۷، معین، ۱۳۸۸، ذیل واژه) همچنین به نمونه یا مدل پذیرفته‌شده، معیار اطلاق می‌شود (فرهنگ، ۱۳۷۴، ص. ۵۲۸). معانی لغوی معیار، بیشتر موارد کاربرد حسی آن است؛ ولی در بسیاری از موارد واژه معیار مترادف با ملاک و در امور غیر حسی به کار می‌رود. بنابراین ملاک و معیار حکم به معنای ضابطه وجودی تحقق آن

حکم است (خلیلیان و همکاران، ۱۳۹۳، ص. ۳۴). شاخص نیز در لغت به معنای بلند، برآمده از هر چیزی و مرتفع (ابن فارس، ابن منظور، الشرتونی، دهخدا، و معین، ذیل واژه شخص) و در اصطلاح به معنای وسیله اندازه‌گیری (فرهنگ، ۱۳۷۴ و ۱۳۷۹، ذیل واژه شاخص و indicator و index) به کار می‌رود و مجازاً به معانی از جمله دو معنای نماینده و آنچه مقدارش ماهیت چیزی را معین می‌کند (عمید، ۱۳۸۹، ذیل واژه) اطلاق می‌شود. گاهی از شاخص نیز به معیار تعریف می‌کنند: شاخص معیاری است که روند تغییر یک متغیر را نشان می‌دهد (فرهنگ، ۱۳۷۹، ص. ۵۴۵).

به نظر می‌رسد رابطه معیار و شاخص رابطه راهبرد و راهکار در کلی و جزئی بودن نسبی اینهاست. معیار نسبت به شاخص، سنگ محک کلی است که واسطه میان مفهوم و شاخص است. به عبارت دیگر، معیار؛ ملاک و مناط کلی است که راه را برای سنجش مفهوم از طریق شاخص آسان می‌سازد و شاخص، ابزاری برای سنجش کمی معیار است (رجائی، ۱۳۹۸، ص. ۲۱۲).

امام خامنه‌ای در تبیین اقتصاد مقاومتی بر معیارهای «درون‌زایی و برون‌گرایی»، «دانش‌بنیانی»، «مردم‌بنیادی و جهادی»، «عدالت‌محوری»، «پویا»، «پیشرو»، «فرصت‌ساز»، «مولد» و «انعطاف‌پذیر» تصریح کرده‌اند. با توجه به این‌که از یک طرف، اقتصاد متکی به دانش، طبعاً اقتصادی پویا، پیشرو و فرصت‌ساز است و از طرفی دیگر، مولد بودن به معنای زایا و زاینده (دهخدا، ۱۳۷۷ و عمید، ۱۳۸۹، ذیل واژه) بودن است و اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی است که مایه خود و ماده خود را از درون کشور ... به دست می‌آورد (بیانات رهبری، ۹۴/۱/۱) و به عبارت دیگر زایش آن از درون می‌باشد؛ بنابراین می‌توان قرار گرفتن مولد در عرض درون‌زایی را عطف توضیحی به دلیل اهمیت موضوع قلمداد کرد. همچنین انعطاف‌پذیری در تولید را می‌توان در توجه همزمان به دو مقوله درون‌زایی و برون‌گرایی مشاهده نمود.

نکته مهم دیگر آن است که در بین معیارها، توجه به مواد اولیه و ویژگی‌های آن و نیز ویژگی‌های مطلوب کارگزاران تولید (کارفرما و نیروی کار) در سخنان رهبری با موضوع اقتصاد مقاومتی، هر چند مورد توجه قرار گرفته اما عنوان مجزایی به آن در کنار سایر معیارها داده نشده است؛ توصیه‌هایی مانند کیفیت و استحکام کالا، بسته‌بندی

مناسب، (بیانات رهبری، ۹۵/۲/۸) و مانند آن که یکی از مصادیق آن کیفیت مناسب مواد اولیه و منابع تولید است و ویژگی‌های کارفرما و نیروی کار (بیانات رهبری، ۹۳/۱/۱، ۹۵/۲/۸ و ۹۹/۲/۱۷) که در مقاله آن را تحت عنوان «طیب بودن منابع و کارگزاران تولید» تبیین می‌کنیم. بنابراین می‌توان درون‌زایی و برون‌گرایی در تولید؛ دانش‌بنیانی؛ مردمی و جهادی بودن؛ عدالت‌محوری در تولید و طیب بودن منابع و کارگزاران تولید را به‌عنوان معیارهای تولید در اقتصاد مقاومتی معرفی کرد. با بسط مفهومی روایت امیرالمؤمنین «العقول ائمه الافکار؛ و الافکار ائمه القلوب؛ و القلوب ائمه الحواس؛ و الحواس ائمه الاعضاء» (کراجکی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص. ۲۰۰)؛ این معیارهای پنج‌گانه به‌ترتیب موضوع تولید، دانش تولید، انگیزه مادی و معنوی تولید، دسترسی عادلانه به منابع در تولید و حلقه نهایی لازم برای تولید را فراهم می‌کنند. در توضیح معیار پنجم این رابطه بیشتر تبیین شده است.

۱-۲. درون‌زایی و برون‌گرایی در تولید

اقتصاد جوامع جهت امان از آسیب‌های احتمالی بیگانگان، باید درون‌زا و در عین حال در مواردی برون‌گرا باشد. با بررسی و تعیین کالاهای دارای اولویت تولید در داخل کشور می‌توان جهت تحقق همزمان درون‌زایی و برون‌گرایی برنامه‌ریزی کرد. باید برنامه‌ریزی به‌گونه‌ای باشد که در اولویت‌ها خوداتکایی تا رسیدن به خودکفایی و در بقیه کالاها فقط خوداتکایی (خودکفایی بالقوه)^۱ حاصل شود و در این کالاها، خودکفایی بالفعل به‌دلیل محرومیت از مزیت‌های واردات و صادرات (ناظر به برون‌گرایی در کلام رهبری) نامطلوب است.

جهت سنجش اولویت بین کالاها نیازمند رتبه‌بندی کالاها می‌باشیم در نظام رتبه‌بندی، کالاها از نظر «نوع نیاز» در پنج رتبه و از نظر «درجه نیاز»، اجمالاً در سه رتبه حیاتی، طبیعی و رفاهی، ترتیب می‌بایند (ر.ک: شیخی، ۱۴۰۰، صص. ۱۴۰-۱۵۸). یکی از مصادیق روشن کالاهای دارای اولویت تولید در داخل، «واجبات نظامیه» است و نظام اسلامی باید دست‌کم در واجبات نظامیه خویش مستقل بالفعل باشد. اقتصاد جامعه اسلامی، هرچند نگاهی نیز به بیرون از مرزها دارد اما تکیه‌اش بر داخل است. امام خامنه‌ای در تبیین این ویژگی می‌فرماید: «اقتصاد درون‌زا؛ اقتصادی است که مایه

خود و ماده خود را از درون کشور و از امکانات کشور و از توانایی‌های مردم خودمان به دست می‌آورد» (بیانات رهبری، ۹۴/۱/۱). مقصود از برون‌گرایی نیز علاوه بر تأمین برخی کالاها از خارج، در دست گرفتن بازارهای خارجی است: «گفتیم اقتصاد ما درون‌زا و برون‌گرا است؛ ما از درون باید رشد کنیم و بجوشیم و افزایش پیدا کنیم، اما بایستی نگاه به بیرون داشته باشیم؛ بازارهای جهانی متعلق به ما است، باید بتوانیم با همت خود و با ابتکار خود، در این بازارها حضور پیدا کنیم و این حضور بدون حمایت دولت امکان‌پذیر نیست» (بیانات رهبری، ۹۳/۲/۱۰).

در فقه عنوانی به نام واجبات نظامیه (ر.ک: بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۲، ص. ۱۷۴؛ بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۲، ص. ۱۱۶ و ۱۶۵؛ خمینی (ره)، ۱۳۷۶، ج ۴، ص. ۱۶۸ و خمینی (ره)، ۱۴۱۵، ج ۲، ص. ۳۰۴) داریم. واجبات نظامیه، یعنی چیزهایی که نظام جامعه به آن‌ها محتاج است و اگر کمبودی در آن‌ها به وجود آید، نیاز عموم مردم تأمین نشده و اختلال در نظام جامعه پدید می‌آید به‌طور مثال تولید محصولات تأمین‌کننده حیات نظام در برابر تهدیدهای دشمن (از جمله ابزار و وسایل نظامی)، محصولات حیاتی برای جسم و جان مردم (مانند برخی محصولات غذایی و دارویی) و محصولات حیاتی برای شبکه ارتباطات مردم (مانند برخی محصولات ارتباطی) (ر.ک: شیخی، ۱۴۰۰، صص. ۱۵۵-۱۵۶) به مقدار کفایت و رفع نیاز جامعه، واجب کفایی است و باید به‌عنوان تکلیف شرعی جزء اولویتهای تأمین قرار بگیرد. در سیره پیامبر اسلام (ص) بعد از تشکیل حکومت در مدینه توجه ویژه به تولید کالاهای نظامی و خدمات تجاری که تا پیش از ظهور اسلام در انحصار قریش بود، به مقتضای نفی سبیل و سلطه و علو کافر بر مسلم تا رسیدن به حد خودکفایی، مشاهده می‌شود (پیغامی، شریف‌زاده، سمیعی‌نسب و حسین‌زاده، ۱۳۹۵، صص. ۱۰۷، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۸۳، ۲۳۵ تا ۲۳۸).

واجب شرعی بودن تولید واجبات شرعیه الزامی است که اوج انگیزه انسانی مؤمنین و حرکت جهادی برای انجام به‌دنبال دارد که پیامد آن ارتقای تولید را به‌دنبال خواهد داشت.

۲-۲. دانش‌بنیانی

یکی از معیارهای تولید در اقتصاد مقاومتی، دانش‌بنیانی است و اقتصاد دانش‌بنیان، طبعاً اقتصادی پیشرو نیز خواهد بود زیرا علم موجب ایجاد سلطه برای صاحب آن خواهد

شد (ر. ک. ابن ابی الحدید، ۱۴۰۴، ج ۲۰، ص. ۳۱۹) بنابر تعبیر مقام معظم رهبری، «اقتصاد دانش‌بنیان، اقتصادی (است) که متکی باشد به علم ... (و) ستون اصلی اقتصاد مقاومتی است» (بیانات رهبری، ۹۴/۷/۲۲). نتیجه دانش‌بنیانی، مدیریت بهره‌وری است. سلطنت، محصول پیشی گرفتن در بهره‌وری بهینه و به‌کارگیری علم است.

اقتصاد دانش‌بنیان، طبعاً اقتصادی فرصت‌ساز نیز می‌باشد زیرا هدف کار علمی، کشف ظرفیت‌های خداداد در جهان است بنابراین با تلاش علمی ظرفیت‌های بیشتری استخراج شده و فرصت‌های بیشتری ایجاد خواهد شد. از آنجا که شکر نعمت استفاده درست از نعمت است، شکر ظرفیت‌های عالم نیز استفاده علمی و درست از آن ظرفیت‌ها است.

اقتصاد دانش‌بنیان از اواخر قرن بیستم مطرح و به سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه (OECD)، نسبت داده می‌شود. نهادهای بین‌المللی و مهم دیگری نیز از قبیل سازمان همکاری اقتصادی آسیا و اقیانوسیه (APEC)، بانک جهانی و غیره (یوسفی، ۱۳۹۸، ص. ۱۴۲) به‌گونه‌ای پر حجم، این ادبیات را مورد عنایت و حمایت ویژه قرار داده‌اند. عموماً دانش‌بنیانی، مفهومی بدیهی انگاشته می‌شود و کمتر به عمق مفهومی آن پرداخته شده است. مفهوم رایج دانش‌بنیانی بر خلاف مقبولیت عمومی، واجد ابهامات و ناسازگاری‌هایی می‌باشد. دانش‌بنیانی سازگار با اقتصاد مقاومتی، دانشی مبتنی بر بنیادهای بومی به معنای اسلامی - ایرانی معرفی می‌شود.

نهادینه‌شدن علم در بدنه اقتصاد کشور و بهره‌مندی از نتایج علمی شرکت‌های دانش‌بنیان در فرایند اقتصادی می‌تواند رویکرد مقاوم‌سازی اقتصاد را تسهیل نموده و ارتباط دانشگاه و صنعت، یکی از اصول اساسی در این زمینه است. امام خمینی (رضی الله عنه)، در اهمیت دانش بومی در اقتصاد و رفع وابستگی علمی به خارج می‌فرماید:

«مهم‌ترین عامل در کسب خودکفایی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه‌جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهامت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به درآمده و نشان داده‌اند که می‌توانند کشور را روی پای خود نگه دارند» (خمینی، ۱۳۸۹، ج ۲۱، ص. ۱۵۸).

امام خامنه‌ای نیز در اهمیت دانش‌بنیانی تأکید فراوانی نموده‌اند. از جمله ایشان در اهمیت پرداختن به شرکت‌های دانش‌بنیان می‌فرمایند: «یک مسئله بسیار مهم، پرداختن به شرکت‌های دانش‌بنیان است؛ این ما را پیش خواهد برد. شرکت‌های دانش‌بنیان، هم علم‌اند، هم اقتصادند. پرداختن به شرکت‌های دانش‌بنیان یکی از اساسی‌ترین کارها است؛ این جزو اولویت‌ها است و باید به این پرداخت» (بیانات رهبری، ۹۵/۳/۲۵).

در بند ۲ سیاست‌های ابلاغی نیز آمده است: «پیشتازی اقتصاد دانش‌بنیان، پیاده‌سازی و اجرای نقشه جامع علمی کشور و ساماندهی نظام ملی نوآوری به منظور ارتقای جایگاه جهانی کشور و افزایش سهم تولید و صادرات محصولات و خدمات دانش‌بنیان و دستیابی به رتبه اول اقتصاد دانش‌بنیان در منطقه» و در بند ۳ و ۱۵ نیز بر برخی محورهای بهره‌وری تأکید ویژه‌ای شده است، از جمله «رشد بهره‌وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید» و «توسعه تولید کالاهای دارای بازدهی بهینه براساس شاخص شدت مصرف انرژی» که در نتیجه تکمیل علم به دست می‌آیند.

۲-۳. مردمی و جهادی بودن

یکی از معیارهای مهم در اقتصاد مقاومتی، افزایش نقش مردم در اقتصاد است. اقتصاد در اصل کار مردم است و اساساً هدف ارسال رسولان و انزال کتاب و میزان، «لیقوم الناس بالقسط»؛ تا مردم قسط را اقامه کنند (حدید: ۲۵) معرفی شده است. هدف این است که مردم به چنان رشدی برسند که خودشان بتوانند اقسام قسط از جمله قسط اقتصادی، اجتماعی و ... را اقامه کنند و وظیفه دولت تنها هدایت‌گری، نظارت، کنترل فساد و امثال آن باشد. از طرفی با ورود مردم به بخش‌های مختلف اقتصادی (از جمله بخش تولید) و سهیم شدن در آن، اقتصاد را از آن خود می‌دانند و به‌دقت از آن حفاظت می‌کنند و در نتیجه این امر در مقاوم‌تر شدن اقتصاد و تولید مؤثر است. بنابراین، باید تا حد امکان فعالیت‌های اقتصادی توسط مردم انجام شود تا مردم سالاری اقتصادی دینی (یوسفی، ۱۳۹۸، ص. ۹۲) تحقق یابد. در اقتصاد مردم‌بنیاد، دولت نقش سیاست‌گذار، هادی، ناظر، حامی و مکمل (سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بند الف و ج) را برعهده دارد. دولت باید فعالیت‌ها و سرمایه‌های مردم را به‌سوی اهداف نظام، هدایت و راهبری کند و برای فعالیت‌های مردم زمینه‌سازی و از آن‌ها در چارچوب قوانین حمایت و بر آن‌ها

نظارت کند و تنها در مواردی که مردم نمی‌توانند یا مصلحت نیست، دولت مکلف به انجام آن است. امام خامنه‌ای در این زمینه می‌فرماید:

«مردم‌بنیاد است؛ یعنی بر محور دولت نیست و اقتصاد دولتی نیست، اقتصاد مردمی است؛ با اراده مردم، سرمایه مردم، حضور مردم تحقق پیدا می‌کند. ... دولت مسئولیت برنامه‌ریزی، زمینه‌سازی، ظرفیت‌سازی، هدایت و کمک دارد. کار اقتصادی و فعالیت اقتصادی دست مردم است، مال مردم است؛ اما دولت، به‌عنوان یک مسئول عمومی، نظارت می‌کند، هدایت می‌کند، کمک می‌کند. آن جایی که کسانی بخواهند سوءاستفاده کنند و دست به فساد اقتصادی بزنند، جلوی آن‌ها را می‌گیرد» (بیانات رهبری، ۹۳/۱/۱).

همچنین یکی از معیارهای تولید در اقتصاد مقاومتی حاکمیت فرهنگ جهادی بر رفتارهای دولت و مردم است «جهاد» از نظر لغوی یعنی بذل همه توان و تلاش خود برای رسیدن به آخرین حد ممکن از هدف. جهاد می‌تواند در راه خدا یا دنیا باشد. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴ و مصطفوی، ۱۴۰۲ ذیل واژه جهاد) و در اصطلاح دینی یعنی به‌کارگیری تمام توان مالی و جانی در راه خدا برای دفع دشمن و حفظ و عظمت اسلام (یوسفی، ۱۳۹۸، ص. ۱۵۳). جهاد منحصر به جهاد نظامی نیست؛ بلکه «جهاد اقتصادی لازم است؛ یعنی همین مبارزه، همین پیکار، متنها جهادگونه، با همه توان، با همه وجود، با قصد خالص، با فهم و بصیرت» (بیانات رهبری، ۹۰/۲/۷). مجاهده در راه خدا باعث برخورداری از هدایت الهی (عنکبوت: ۶۹)، رحمت الهی (بقره: ۲۱۸)، مغفرت و روزی شایسته (انفال: ۷۴) و نیز برخورداری از خیرات (توبه: ۸۸) خواهد شد. یک فرد مؤمن و مسلمان، با فراگیری دستورات و تأکیدات اسلامی، تا حد توان در امور اقتصادی کشور سهم تقویتی و حمایتی خود را ایفا و روحیه جهادی را در سراسر زندگی خویش عملی نموده و به آن پای‌بند است.

گسترش فعالیت‌های اینارگرانه و تقویت اردوهای جهادی در راستای اقتصاد مقاومتی، می‌تواند در این زمینه راهگشا باشد و باید مورد توجه ویژه دست‌اندرکاران اقتصاد باشد. استفاده از ظرفیت نیروهای مردمی بسیج که هم روحیه مردمی و هم روحیه جهادی در فعالیت‌های آن‌ها موج می‌زند راهکاری اصولی و اساسی جهت تقویت فعالیت‌های اقتصادی و مقاوم‌سازی اقتصاد است. مخصوصاً که فرهنگ و

دستورات اسلامی (از جمله تشویق به تعاون و تکافل اجتماعی و تولید در جهت تأمین نیازهای جامعه (بجنوردی، ۱۴۱۹، ج ۷، ص. ۱۴۳) و نیازمندان (طوسی، ۱۴۱۴، ص. ۶۸۸) و نیز عمل صالح و عبادت (عاملی، ۱۴۰۹، ج ۱۷، صص. ۱۹-۲۴) تلقی کردن تولید و فعالیت اقتصادی) می‌تواند در این زمینه محرک نیروهای ارزشی برای توجه به امور اقتصادی جامعه اسلامی باشد.

۲-۴. عدالت محوری در تولید

برخی محققان اصل معنای عدل را، حد وسط بین افراط و تفریط دانسته‌اند (مصطفوی، ۱۴۰۲)؛ اما در معناشناسی واژگان اصلی، باید به دنبال معنای ایجابی بود و از سلبی معنا کردن خودداری نمود. هیچ‌گاه اصل را با نفی فرع معنا نمی‌کنند، بلکه فرع را با کمک اصل می‌سنجند. بنابراین معناشناسی «عدل» به عنوان یکی از واژگان مهم، نمی‌تواند به صورت نفی ظلم (افراط و تفریط) باشد. بلکه ابتدا باید تراز و سنجه مشخص شود تا بعد بتوان عدم تراز بودن را (با نام افراط و تفریط) تعیین نمود. از همین رو، امیرالمؤمنین (علیه السلام) می‌فرمایند «اعرف الحق تعرف اهله (حر عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۷، ص. ۱۳۵)» اگر حق و عدل شناخته نشود، بسیاری از مصادیق ظلم (افراط و تفریط) نیز نهان می‌مانند. همچنین نسبت به برخی از مصادیق عدل مانند خداوند، اساساً فرض افراط و تفریط معنا ندارد تا بتوان حد وسط را به خدا نسبت داد. بنابراین دقیق‌ترین معنا برای عدل، «وضعیت بایسته» هر چیزی به نظر می‌رسد. این معنا از سویی ایجابی است و از سوی دیگر درباره خدا به درستی صدق می‌کند و سایر کاربردها را مجازی نمی‌کند. به کارگیری عدل سبب قرارگیری هر چیزی در وضعیت بایسته خودش می‌شود؛ بنابراین کارکرد عدل این است که هر چیزی را در جای خودش قرار می‌دهد. «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا» (الرضی، ۱۴۱۴، حکمت ۴۳۷، ص. ۵۵۳).

(العاقل) هُوَ الَّذِي يَضَعُ الشَّيْءَ مَوَاضِعَهُ (همان، ح ۲۳۵، ص. ۵۱۰)؛ بنابراین عدالت در فرایند تولید به معنای توازن و تناسب در عوامل تولید و به اندازه بودن آن‌ها، (دادن حق هر یک از عوامل تولید به آن‌ها) و رعایت حدود الهی در تولید است (رجایی، ۱۳۸۶، صص. ۳۴ و ۳۵)؛ بنابراین جهت برقراری عدالت (وضعیت بایسته) به معنای عام، باید علاوه بر شناسایی اولویت‌ها و امور دخیل در تولید، توازن برقرار و دسترسی

عادلانه به امکانات و منابع تولید فراهم باشند. عدالت به معنای عام به عنوان معیار چهارم مطرح نیست؛ زیرا اگر بخواهیم عدالت را در گستره عام آن (مبارزه با بی‌عدالتی‌های ساختاری) به کار بریم تمام معیارها از مصادیق عدالت‌اند نه قسیم آن.

عدالت محوری به معنای خاص، همان توزیع عادلانه سهم عوامل تولید است و در مقاله نیز عدالت به معنای خاص مدنظر است. در شرایط شکاف طبقاتی امروزی، می‌تواند این مسئله با عدالت سازگار باشد که کارگر در کنار مبلغی به صورت حقوق ثابت، در خود شرکت نیز سهام‌دار شود. این مسئله اگر در راستای کاهش ظلم باشد (نه تساوی زیرا عدالت به معنای تساوی نیست) عادلانه می‌باشد. در نتیجه ترکیبی از حقوق ثابت و سود متغیر برای کارگر در نظر گرفته می‌شود تا با حقوق ثابت، تا حدودی خیال او بابت تأمین بخشی از مخارج و نیازهای زندگی راحت باشد و با سود متغیر، بخش دیگری از نیازهای او برطرف شده، همچنین انگیزه او برای تولید با کیفیت بیش از حد معمول، بالاتر رود. در نتیجه هم سهم وی به عدالت نزدیک‌تر شود و هم انگیزه او برای تولید بیشتر و بهتر ارتقا یابد. همچنین دولت می‌تواند در واگذاری شرکت‌ها به بخش خصوصی، با خریداران شرط نماید تا کارگران همان کارخانه را در درصد خاصی از شرکت سهام‌دار نمایند. با این اقدام سیاستی، الزام قانونی و شرعی برای کارفرما ایجاد خواهد شد.

۲-۵. طیب بودن منابع و کارگزاران تولید

طیب واژه‌ای قرآنی و خلاف و ضد صفت خبیث است (احمد بن فارس، ۱۴۰۴ و جوهری، ۱۴۱۰) طیب نفس یعنی خوش بودن برای فرد (جوهری، ۱۴۱۰) و زمین طیب، زمین مناسب برای رویش و باد طیب بادی ملایم و غیر شدید است (ابن منظور، ۱۴۱۴). برخی معنای اصلی طیب را آنچه مطلوب است و پلیدی ظاهری و باطنی ندارد، می‌دانند؛ بنابراین کاربردهای متفاوت از جمله زوجه طیبه و طعام، عیش، کلام، مکان، نفس، بو، رزق، درخت، خاک و انسان طیب و معانی آن‌ها یعنی حلال، لذیذ، انبساط خاطر، نیکی، خیر و غیره همگی به این اصل واحد بر می‌گردند و از مصادیق آن می‌باشند. (مصطفوی، ۱۴۰۲) برخی معنای طیب را دلچسب بودن و طبع پسندی می‌دانند. بنابراین انسان طیب کسی است که به دلیل پاکی از جهل و اعمال قبیح و تجلی

به ایمان و عمل صالح، مورد پسند خداست و طیب از غیر انسان آن است که در اثر عدم نقص و مفید بودن و پاکی از آلودگی‌ها دلچسب و مورد پسند باشد؛ بنابراین آنچه در شرع حرام شده به علت خبث واقعی است و بشر به خبث برخی راه ندارد (قرشی، ۱۴۱۲). ظاهراً طیب در اصل مطلوب بودن موصوف خود را می‌رساند؛ اما واژه «طیب» درصدد ارائه گزارش قلبی از معنای «مطلوب» با واژه «خوش بودن» و «دل پسند» و به عبارتی دیگر «مطلوب قلبی» است و در مقابل واژه «خبیث» به معنای «ناخوش، ناپسند و پلید» دلالت دارد.

بعضی در تعریف تولید طیب، سه مؤلفه کالاها و خدمات طیب، عوامل تولید طیب و شیوه تولید طیب را مورد توجه قرار داده‌اند. کالا و خدمات طیب، محصولاتی هستند که پاک، حلال، غیر مضر و باکیفیت باشند و طیب بودن شیوه تولید نیز ناظر به عدم تعدی و تجاوز به منابع طبیعی، حقوق انسانی و حقوق الهی در فرایند تولید است. همچنین طیب بودن عوامل تولید (پاک بودن سرمایه و حرام نبودن کسب‌وکار) نیز در مفهوم تولید طیب مؤثر است. (توکلی، ۱۳۹۱، صص. ۳۹-۴۷) در نتیجه تولید با این شرایط می‌تواند به طیب و غیرطیب تقسیم شود. طیب بودن خود به تنهایی معیار نیست بلکه وضعیت مطلوب معیارها را بیان می‌کند، مثلاً دانش‌بنیانی طیب یعنی در دانش به‌کار رفته در تولید (شیوه تولید) تعدی و تجاوزی به حقوق دیگران صورت نپذیرد و از علم طیب در مسیر تولید استفاده شود به عبارتی دیگر که شامل همه معیارها شود، درون‌زایی طیب، دانش‌بنیانی طیب، جهادی و مردمی بودن طیب و نیز عدالت محوری طیب، یعنی تحقق هر یک از این معیارها در جامعه بر اساس اصول مطلوب و مورد پسند اسلام باشد؛ بنابراین برای تحقق مفهوم طیب در معیارهای مذکور، باید برنامه ارائه‌شده برای تحقق هر معیار برگرفته از منابع دینی باشد و منابع مادی و معنوی برای تحقق این مفاهیم نیز حلال، طیب و متناسب باشد (ر.ک: امامی، ۱۳۹۸، صص. ۹-۱۲) به‌طور مثال اگر هزینه پژوهشی یک شرکت دانش‌بنیان برای طراحی دانش جهت ارتقای تولید، به روشی غیرطیب (مثلاً حرام) تهیه شود، دانش‌بنیاتی مذکور طیب نیست و علم حاصل شده برکت لازم را برای ارتقای تولید ندارد.

در کنار طیب بودن موضوع، دانش، انگیزه و سنجیدگی تولید، نیازمند «طیب بودن منابع و کارگزاران تولید» به‌عنوان معیار پنجم می‌باشیم تا روند طیبات تکمیل شده و در نتیجه خروجی آن «محصول نهایی طیب» باشد. بنابراین در نهایت جهت ارتقای تولید، باید منابع تولید (از جمله مواد اولیه، منابع طبیعی، کار و سرمایه^۳) طیب یعنی پاک، حلال، غیرمضر و با کیفیت باشند. کارگزاران تولید (کارفرما، سرمایه‌گذار، کارگر و ناظران تولید) نیز باید طیب باشند به این معنا که آنچه به‌عنوان کارگزار تولید برای ایشان مطلوب است را دارا باشند.

۳. شاخص‌های تولید در اقتصاد مقاومتی

برای اندازه‌گیری هر یک از معیارهای بالا می‌توان شاخص‌های متعددی ارائه نمود. شاخص‌های تولید در اقتصاد مقاومتی بعد از بررسی‌های فراوان به‌صورت زیر پیشنهاد می‌شوند. شاخص‌ها قلمرو کارکردشان این است که برای وضعیت اقتضایی و غالبی هستند.

۳-۱. شاخص‌های درون‌زایی و برون‌گرایی در تولید

جهت سنجش معیار «درون‌زایی و برون‌گرایی در تولید»، می‌توان شاخص تجمیعی زیر که تعاریف درون‌زایی و برون‌گرایی در آن جمع است را پیشنهاد نمود:

۳-۱-۱. شاخص تجمیعی درون‌زایی و برون‌گرایی

درون‌زایی را می‌توان با میزان تولید داخلی اقلام دارای اولویت تولید نشان داد. همچنین چنان‌که در بخش معیارها گذشت، برون‌گرایی و ارتباط با خارج نیز در دو بخش «واردات محصولات غیر اولویت‌دار تولید در داخل» و «صادرات محصولات به بازارهای جهانی قابل دسترس» با توجه به امکانات بالقوه کشور قابل تحقق است.

مجموع نیازهای داخل کشور (N_d) از محل «تولیدات برای نیاز داخل» و «واردات» تأمین می‌شود و از طرفی مجموع تولیدات کشور (P) عبارت است از: «تولیدات برای نیاز داخل» و «صادرات». و هر کدام از سه عنوان «تولیدات برای نیاز داخل» (P_d)، «صادرات» (X) و «واردات» (M) به دو دسته مطلوب (با اندیس m) و نامطلوب (با اندیس n) تقسیم می‌شوند. از طرفی، چنان‌که گذشت کالاها از نظر اولویت تولید در داخل در چند رتبه ترتیب می‌یابند و برخی از این رتبه‌ها (مثلاً کالاهای دارای رتبه حیاتی) مطلوب برای تولید در داخل می‌باشند که طبق شاخص درون‌زایی باید در داخل

تولید شوند و برخی نامطلوب برای تولید در داخل هستند که طبق شاخص برون‌گرایی، «واردات مطلوب» تلقی می‌شوند. از طرفی ظرفیت صادراتی کشور را با \bar{X} نشان می‌دهیم که برای محاسبه و سنجش آن، می‌توان ظرفیت‌های تولیدی کشور و ظرفیت بازارهای جهانی قابل دسترس در افق مثلاً ده ساله را سنجید (به‌عنوان نمونه ر.ک: رضایی، چیدری و مرتضوی، ۱۳۸۹ و مغزی، کاظم نژاد و مقدسی، ۱۳۹۱) با توجه به این موارد می‌توان شاخص تجمیعی درون‌زایی و برون‌گرایی را به‌صورت زیر تعریف نمود.

$$ENXI = \frac{Pdm + Mm + Xm}{TPd + T\bar{X} + TM - W + L}$$

هدف معادله، سنجش میزان تامین مطلوب مجموع نیازهای کشور یعنی مجموع درون‌زایی و برون‌گرایی است. که مخرج کسر به‌ترتیب عبارتند از: «کل تولیدات برای داخل»، «کل ظرفیت صادراتی کشور»، «کل واردات کشور»، «میزان اسراف» و «میزان کم مصرفی» و مخرج کسر نیازهای واقعی داخلی و خارجی قابل تأمین توسط ایران (شامل کسر اسراف و افزودن میزان کم مصرفی) را نشان می‌دهد. صورت کسر نیز به‌ترتیب بیانگر «میزان تولید فعلی کالاهای مطلوب تولید برای داخل» مثلاً میزان تولید فعلی کالاهای حیاتی، «میزان واردات فعلی کالاهای مطلوب وارداتی» به‌همراه «میزان تولید فعلی کالاهای مطلوب صادراتی» (مثلاً میزان صادرات غیر خام و غیر مورد نیاز داخل) را نشان می‌دهد. البته برای سادگی امر تا زمان تخمین میزان اسراف، کم مصرفی و ظرفیت صادراتی کشور، می‌توان از مجموع نیازهای تأمین شده کشور (حذف دو جمله آخر مخرج کسر) استفاده نمود و به‌جای ظرفیت صادراتی کشور، مجموع صادرات کشور را قرار داد.

۲-۳. شاخص‌های دانش‌بنیانی

جهت محاسبه دانش‌بنیانی در تولید دو راه وجود دارد؛ محاسبه تلاش انجام شده در مسیر دانش‌بنیانی و محاسبه خروجی تلاش و نتیجه‌ای که از آن در تولید حاصل شده. تعریف کار به هر یک از این دو (میزان ورودی یا میزان خروجی کار) مبنایی دارد. از آنجا که مبنای ما وظیفه و تکلیف محوری است نه نتیجه محوری؛ بنابراین باید ارزیابی اصلی بر مبنای وظیفه محوری باشد نه نتیجه محوری. به عبارتی دیگر در سنجش گاه خروجی دانش‌بنیانی (ارزش کالاها و خدمات دانش‌بنیان) محاسبه می‌شود و گاه

ورودی دانش‌بنیانی (میزان انرژی و زحمتی که برای دانش‌بنیانی کشیده شده). اندازه‌گیری خروجی روش دقیقی نیست چون اولاً تا دانش به چرخه خروجی تولید برسد زمان می‌برد و از آغاز تحقیقات تا زمان بهره‌برداری صنعتی ممکن است چند سال (مثلاً سه چهار سال) زمان ببرد، بنابراین با روش محاسبه خروجی، ارزیابی ما از دانش‌بنیانی این است که کاری انجام نشده چون در تولید محصول نتیجه آن دیده نمی‌شود اما واقعیت امر چیز دیگری است. ثانیاً روش محاسبه خروجی، روش معلولی است و ممکن است نتیجه مذکور، معلول علت دیگری باشد، به‌طور مثال تکنولوژی و صنعت وارداتی (نظیر بحث مونتاژ) در کوتاه‌مدت تولیدات را بالا ببرد و چون نتیجه تکنولوژی جدید است، ممکن است در خروجی دانش‌بنیان به حساب آید درحالی‌که نتیجه فعالیت درون‌زای دانش‌بنیان نیست. به عبارتی دیگر از آنجا که دانش اصلی بومی نشده، هر چند در کوتاه‌مدت بهره‌ای از دانش‌بنیانی برده‌ایم؛ اما زیرساخت‌های تولید دانش‌بنیان فراهم نمی‌شود و چه‌بسا در بلندمدت خودش عاملی برای واردات شده و بسترهای بلندمدت دانش‌بنیانی را از بین ببرد. بنابراین محاسبه ورودی‌های دانش‌بنیان به دو دلیل محاسبه بهتری است:

۱. در موارد فراوانی ورودی دانش حاصل شده، اما هنوز به خروجی و بهره‌برداری صنعتی نرسیده است

۲. خروجی‌های تقلبی ما را فریب نمی‌دهد و عدد دانش‌بنیانی را به اشتباه بالا نمی‌برد.

۳-۲-۱. شاخص ترکیبی دانش‌بنیانی

برای محاسبه ورودی دانش‌بنیان می‌توان به «ارزش قراردادهای مشارکت مراکز علمی در تولیدات» تمسک نمود. همچنین اگر بخواهد طیب باشد، دست‌کم در برخی از موارد باید پژوهشگاه‌های حوزوی و دینی ناظر به تولید نیز ایجاد شود و قراردادهای تبادل‌اتی برای آن انجام شود. همچنین برای بهره‌وری بیشینه نیز میزان مشارکت پژوهشگاه‌ها در تولید مهم و پژوهشکده‌های افزایش بهره‌وری نیز لازم است. از طرفی اگر دزدی‌های کلان صورت نگیرد مثلاً اگر واگذاری‌های نامناسب، سوءمدیریت‌ها، سوءاستفاده‌ها و پرتی‌های کلان انجام نشود، بهره‌وری افزایش بسیار زیادی می‌یابد. بنابراین تمرکز بر «دانش نظارت» نیز امری فوق‌العاده ضروری است. به‌طور مثال بررسی این‌که قوه

قضائیه یا بانک‌ها چه سازوکار قانونی داشته باشند تا فساد و موانع تولید کاهش یابد، می‌تواند یکی از موضوعات پژوهشی و دانش‌بنیانی برای تولید باشد. بنابراین دانش حقوق در خدمت تولید نیز جزء دانش‌بنیانی در تولید است. دانش‌بنیانی فقط این نیست که روش تولید، دانش‌بنیان شود. قوانین نظارتی که گاه سال‌ها به‌روز نشده و با شرایط زمانی تطبیق کامل ندارد و تحقیقات مفصل برای آن لازم است نیز جزء موارد لازم به پژوهش در پژوهشکده‌های افزایش بهره‌وری است.

جهت کمی‌سازی شاخص به‌نحوی که نمایان‌گر رشد دانش‌بنیانی باشد، لازم به‌ذکر است که برنامه‌ریزی باید به‌گونه‌ای باشد که از ظرفیت‌های علمی و انسانی کشور حداکثر استفاده صورت پذیرد. با توجه به این‌که ظرفیت‌های علمی و انسانی کشور در دانش‌بنیان‌سازی تولید قابل تخمین می‌باشد؛ بنابراین اگر مثلاً این ظرفیت‌ها یارای مثلاً ۲۵ تومان قرارداد مشارکت علمی در تولید باشد؛ حال با تقسیم میزان تحقق ارزش قراردادهای مشارکت علمی در تولید (مثلاً ۱۰ ت) بر میزان مطلوب در امسال (۲۵ ت)، میزان تحقق دانش‌بنیانی در تولید (۰/۴) تعیین می‌شود. بنابراین هدف شاخص، دانش‌بنیان شدن کل اقتصاد است که با توجه به ظرفیت‌های انسانی و علمی، هدف مطلوب سالانه یا مثلاً پنج‌ساله تعیین و میزان تحقق آن به‌عنوان شاخص مطرح می‌شود. شاخص‌های دیگری نیز مانند «نسبت تحصیلات مرتبط با شغل» و «میزان برنامه‌های آموزشی و مهارت‌آموزی» (پیغامی، سعدآبادی و عظیمی، ۱۳۹۵، صص. ۱۳۱ و ۱۳۴) و شاخص ترکیبی بانک جهانی (متشکل از نرخ باسوادی، نرخ ثبت‌نام در سطح دوم و سوم تحصیلی، ابزارهای تلفن، رایانه و کاربران اینترنت به‌ازای هر هزار نفر، موانع تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای، کیفیت قانون‌گذاری و نقش قانون، هر یک از مقالات تخصصی و اعطای امتیاز اختراع به‌ازای یک میلیون نفر و حق اختراع) (عزیزی و مرادی، ۱۳۹۷، ص. ۲۵۸) برای محاسبه دانش ارائه‌شده که با مبنای محاسبه ورودی دانش‌بنیان سازگاری دارند؛ اما صرف مرتبط بودن تحصیلات و برنامه‌های آموزشی و نرخ باسوادی و ثبت‌نام در دبیرستان و دانشگاه و ... نمی‌تواند تولید را دانش‌بنیان کند و با هدف مذکور رابطه تام یا دست‌کم غالبی قابل توجه ندارند و از طرفی، برخی از آن‌ها رابطه بعیدی با هدف دانش‌بنیانی در تولید دارند. شاخص ترکیبی بانک جهانی (KEI)

مشکل دیگری نیز دارد و آن این است که عدد حاصله می‌تواند بزرگ‌تر از یک (مثلاً ۲.۷) باشد؛ بنابراین شاخص مذکور فقط برای رتبه‌بندی و مقایسه کشورها استفاده می‌شود و نمی‌تواند برای محاسبه درصد تحقق دانش‌بنیانی مورد استفاده قرار گیرد.

بنابراین با توجه به زمان‌بر بودن دانش‌بنیانی، لزوم توجه به تلاش‌های ورودی انجام‌شده، موانع مدیریتی خارج از اراده محققین و پژوهشگران و دلایل دیگری که گذشت، باید درصد بالاتر از شاخص دانش‌بنیانی را به شاخص ورودی داد. از طرفی دو امر دیگر نیز در دانش‌بنیانی مؤثرند:

۱. حوزه مدیریت و پردازش (مجموعه‌های متولی اقتصاد) که حد واسط بین ورودی و خروجی‌اند و آن‌ها نیز لازم است در حوزه اداری و در حوزه کلان خود دانش‌بنیان شوند تا بهترین اثربخشی و کمترین مانع را در اقتصاد داشته باشند. شاخص دانش‌بنیانی در این حوزه (نسبت وضعیت موجود دانش، ساختار و کارگزاران مدیریتی به وضعیت مطلوب^۴) نیز بخشی از شاخص کلان دانش‌بنیانی است.

۲. حوزه خروجی که این حوزه نیز مورد توجه قرار می‌گیرد، تا انگیزه‌ای برای رساندن تلاش‌های علمی (با در نظر گرفتن زمان‌بری دانش‌بنیانی و موانع مدیریتی) به چرخه تولید باشد. برای شاخص خروجی نیز می‌توان «درصد تولیدات دانش‌بنیان به کل تولید ناخالص داخلی» را پیشنهاد نمود.

بنابراین شاخص کلان دانش‌بنیانی یک شاخص ترکیبی از سه زیر شاخص است که سنجش وزن هر یک نیز نیازمند تحقیق مجزایی (با در نظر گرفتن میزان اهمیت و میزان اثرگذاری هر یک) می‌باشد.



نمودار ۱: عناصر شاخص ترکیبی و کلان دانش بنیانی

۳-۳. شاخص های مردمی و جهادی بودن

مردمی بودن تولید را می توان با شاخص های مختلفی سنجید که شاخص پیشنهادی به صورت زیر است:

۳-۳-۱. سهم بخش غیردولتی از تولید ناخالص داخلی به سهم معین قانونی

از آنجا که اقتصاد به سه بخش، دولتی، خصوصی و تعاونی تقسیم می شود (قانون اساسی، اصل ۴۴) و دو بخش خصوصی و تعاونی، میزان مردمی بودن اقتصاد را نشان می دهد، بنابراین، به هر اندازه که این دو بخش به سهم تراز خود نزدیک تر شوند، مردمی شدن اقتصاد به حد تراز خود نزدیک تر شده است.

طبق ماده دو الی پنج اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، قلمرو فعالیت های بخش های دولتی و غیردولتی دقیقاً مشخص شده است. طبق این مواد، ابتدا فعالیت های اقتصادی در سه گروه دسته بندی شده اند:

۱. تمامی فعالیت های اقتصادی به جز موارد گروه دو و سه.^۵
۲. فعالیت های اقتصادی صدر اصل ۴۴^۶ بجز موارد گروه سه.
۳. فعالیت ها و شرکت های شبکه های مادر مخابراتی و امور واگذاری بسامد (فرکانس)؛ شبکه های اصلی تجزیه و مبادلات و مدیریت توزیع خدمات پایه پستی؛ تولیدات محرمانه یا ضروری نظامی، انتظامی و امنیتی به تشخیص فرماندهی کل؛ شرکت ملی نفت و شرکت های استخراج و تولید نفت خام و گاز؛ معادن نفت و گاز؛ بانک مرکزی، ملی، سپه، صنعت و معدن، توسعه

صادرات، کشاورزی، مسکن و توسعه تعاون؛ بیمه مرکزی و ایران؛ شبکه‌های اصلی انتقال برق؛ سازمان هواپیمایی و سازمان بنادر و کشتیرانی؛ سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی؛ رادیو و تلویزیون.

طبق این قانون، سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در فعالیت‌های گروه یک، تنها در اختیار بخش غیردولتی است. تداوم فعالیت دولت در آن‌ها یا شروع فعالیت در موارد ضروری، تنها برای مدت معین و با تصویب مجلس مجاز است. سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در گروه دو برای بخش غیردولتی مجاز است به گونه‌ای که سهم دولت، از ۲۰ درصد ارزش این فعالیت‌ها در بازار بیشتر نباشد. سرمایه‌گذاری، مالکیت و مدیریت در گروه سه فقط در اختیار دولت است؛ البته فعالیت بخش غیردولتی به شرط حفظ مالکیت کامل دولت و طبق آئین‌نامه این ماده مجاز است؛ بنابراین حداکثر فعالیت دولت در اقتصاد طبق این هدف‌گذاری، مختص به بخش محدودی از گروه یک برای مدتی معین و ۲۰ درصد ارزش فعالیت‌های گروه دو و تقریباً همه فعالیت‌های گروه سه می‌باشد.

برای محاسبه میزان مردمی بودن اقتصاد می‌توان شاخص «سهم فعلی بخش غیردولتی از تولید ناخالص داخلی به سهم معین قانونی» را در نظر گرفت و حاصل این کسر نشانگر میزان تحقق اهداف قانونی در بخش غیردولتی است. برای محاسبه صورت کسر، می‌توان آمار تولید ناخالص به روش هزینه نهایی را مدنظر قرار داد که در آمار کلی اجزاء آن، تفکیک بخش خصوصی و دولتی وجود دارد؛ اما در محاسبه سهم معین قانونی، باید ابتدا دقیقاً مصادیق فعالیت‌های اقتصادی ذیل هر یک از گروه‌های سه‌گانه بالا و در مرحله بعد فهرست شرکت‌ها، دولتی یا غیردولتی بودن و ارزش فعلی آن‌ها مشخص شود. طبق بررسی‌ها آمارهای موجود حتی در ریزترین سطح انتشار یافته (زیربخش‌های ۷۲ گانه)، نمی‌تواند این سهم را مشخص کند و در موارد زیادی در یک زیربخش دو نوع فعالیت از گروه‌های سه‌گانه بالا وجود دارد. در ماده ۱۷ قانون سیاست‌های اصل ۴۴، وجود الزام قانونی برای جمع‌آوری این نوع اطلاعات توسط دولت آمده و ظرف شش ماه از تصویب قانون باید بنگاه‌های دولتی مشمول گروه‌های یک و دو در هر بازار بر اساس عواملی (از جمله اندازه شرکت، فناوری، وضعیت مالی، روابط صنعتی و ...) طبقه‌بندی و فهرست شرکت‌ها، حقوق، دارایی‌ها و سایر موارد

مذکور در این قانون به وزارت اقتصاد ارائه شود که طبق بررسی، چنین اطلاعاتی حداقل در حد انتشار برای محققان یافت نشد. در حال حاضر برای ما امکان تعیین سهم معین قانونی بخش دولتی و نیز غیردولتی (مخرج شاخص) وجود ندارد و نیاز به تحقیق مجزا با اطلاعات لازم است و این تصور که طبق قانون دولت می‌تواند حداکثر ۲۰ درصد اقتصاد را عهده‌دار باشد و ۸۰ درصد برای بخش غیردولتی است، غیر دقیق و تنها برای گروه دو است.

در این شاخص میزان رسیدن به اهداف قانونی به‌عنوان شاخص مطرح شده است. هر چند قانون لزوماً با مطلوب برابر نیست اما فرض بر این است که اهداف مذکور با توجه به امکانات و نیز مصالح کشور و قابل حصول است بنابراین، تحقق اهداف قانونی می‌تواند مورد توجه شاخص‌گذاران قرار گیرد. بنابراین شاخص مردمی بودن (PI) به‌صورت زیر تعریف می‌شود:

$$PI = \frac{\text{سهم فعلی بخش غیر دولتی از GDP}}{\text{سهم معین قانونی بخش غیر دولتی}} \quad (۱)$$

با توضیحاتی که در بخش معیارها گذشت، هر چند مجموع بخش غیر دولتی، اقتصاد مردمی است و مردمی بودن را منحصر در تعاونی نمی‌دانیم؛ اما لازم است قوانینی تدوین شود تا از خصوصی‌سازی سوءاستفاده نشود و در مورد قوانین موجود نیز نظارت لازم صورت پذیرد؛ بنابراین مواردی که خلاف قوانین، خصوصی‌سازی صورت پذیرد را نمی‌توان جزء اهداف مردمی شدن واقعی اقتصاد دانست و بعد از اثبات باید آن را از صورت کسر نمود. از طرفی اقتصاد تعاونی بهتر از اقتصاد خصوصی می‌تواند در جهت اهداف مردمی بودن اقتصاد حرکت کند و در اسلام نیز نسبت به تعاون بر خیر تأکید شده است و از طرفی دیگر برخی از امور اقتصادی بدون تعاون و کار جمعی و با اتکای صرف به فعالیت‌های فردی و خصوصی نمی‌تواند به ثمر برسد و بنابراین مردمی شدن اقتصاد با اقتصاد تعاونی سازگارتر است؛ هر چند فعالیت‌های بخش خصوصی نیز به‌خودی‌خود و با نظارت لازم منع و با اهداف مردمی شدن تضادی ندارد؛ بنابراین باید تلاش نمود تا در شاخص مورد نظر وزن تعاونی را بیش از وزن بخش

خصوصی دانسته و در عمل نیز قانون‌گذار با قوانینی مردم را به سمت بخش تعاونی ترغیب نماید؛ بنابراین شاخص مردمی بودن اقتصاد به صورت زیر پیشنهاد می‌شود:

$$PI = \frac{\text{سهم فعلی بخش خصوصی از GDP} \times (\text{ضریب اهمیت خصوصی به تعاونی}) + \text{سهم فعلی بخش تعاونی از GDP}}{\text{سهم معین قانونی بخش غیر دولتی}} \quad (۲)$$

بنابراین به طور مثال، اگر مجموع اقتصاد ۱۰۰۰ تومان باشد و با محاسبات بخش‌های سه‌گانه قانون اجرای اصل ۴۴، مجموع تولیدات مطلوب قانونی توسط بخش غیردولتی (خصوصی و تعاونی)، ۸۰۰ تومان باشد، در این صورت اگر ۱۵۰ تومان توسط بخش تعاونی و ۲۵۰ تومان توسط بخش خصوصی تولید شود و ضریب اهمیت بخش خصوصی نسبت به تعاونی فرضاً یک دوم باشد، در این صورت، میزان تحقق مردمی بودن اقتصاد برابر با ۰.۳۴ از مجموع (۱) می‌باشد. این معادله تنها یک مشکل را همچنان دارد و آن این است که وضع مطلوب این معادله زمانی است که کل اقتصاد تعاونی شود، در حالی که چنین چیزی نامطلوب یا در عمل غیرممکن است. بنابراین اگر با تحقیقات مکمل، میزان مطلوب بخش تعاونی و خصوصی به صورت مجزا تخمین زده شود، معادله کامل‌تر به صورت زیر می‌شود:

$$PI = \frac{\frac{\text{سهم فعلی بخش خصوصی}}{\text{سهم مطلوب بخش خصوصی}} + \frac{\text{سهم فعلی بخش تعاونی}}{\text{سهم مطلوب بخش تعاونی}}}{2} \quad (۳)$$

بنابراین به طور مثال، اگر فرضاً میزان مطلوب بخش تعاونی برابر با ۴۵۰ تومان (۵۰ درصد) و میزان مطلوب بخش خصوصی، ۳۵۰ تومان (۳۵ درصد) باشد، عدد شاخص مردمی بودن ۰.۵۲ می‌باشد. تا زمان انجام تحقیقات مکمل برای استفاده از معادله ۲ یا ۳، جهت سادگی امر، معادله ۱ برای سنجش پیشنهاد می‌شود.

۳-۲. نسبت ساعات کار مفید شاغلان تولیدی به میزان تراز (هشت ساعت)

چنان‌که گذشت در تعریف لغوی جهاد، عنصر «بذل همه توان و تلاش خود برای رسیدن به آخرین حد ممکن از هدف» وارد شده است. امام خامنه‌ای نیز در تعریف جهاد اقتصادی قیده‌های «با همه توان و وجود»، «با قصد خالص» و «با فهم و بصیرت» را در نظر می‌گیرند که بیانگر جهادی به معنای مجازی است؛ از این رو تلاش «بیشینه»، «ناب» و «بهینه» به عنوان معنای مجازی جهاد اقتصادی مورد توجه است، زیرا موضوع

له «جهاد»، عاری از قیود اخلاص و بصیرت است و این دو قید در ویژگی‌های کارگزار مورد توجه خواهد بود. اما برای محاسبه جهادی به معنای حقیقی، «تلاش بیشینه» را باید محاسبه نمود که برای این کار می‌توان از نماگر «نسبت ساعات کار مفید شاغلان تولیدی به میزان تراز (هشت ساعت)^۷ استفاده نمود.

دو شاخص «سرانه انفاقات به معنی اعم (موقوفات، زکات واجب و مستحب، خمس، نذورات و غیره)» و «فعالیت‌های تکلیف‌مدارانه و داوطلبانه به کل فعالیت‌های نیروی کار شاغل در فعالیت‌های تولیدی» را نیز می‌توان برای جهادی بودن ارائه کرد؛ اما هیچ‌کدام معنای کامل جهادی را شامل نمی‌شوند و تنها به بخش خیرانه از معنای جهادی می‌پردازند.

۳-۴. شاخص‌های عدالت‌محوری در تولید

جهت سنجش معیار «عدالت‌محوری در تولید»، شاخص‌های متعددی امکان کشف و ارائه آن وجود دارد که می‌توان شاخص زیر را پیشنهاد نمود:

۳-۴-۱. نسبت میانگین دریافتی عوامل تولید به درآمد مکفی برای رفع نیازهای طبیعی

چنان‌که گذشت، در شرایط شکاف طبقاتی، در برخی موارد می‌تواند این مسئله با عدالت سازگار باشد که کارگر در کنار حقوق ثابت، در خود شرکت نیز سهام‌دار شود. در نتیجه ترکیبی از حقوق ثابت و سود متغیر برای کارگر در نظر گرفته می‌شود. این کار می‌تواند به صورت تدریجی و با طراحی مشوق‌هایی برای کارفرمایان جهت تشویق به افزایش تدریجی سهم‌بری، صورت پذیرد. از طرفی در اسلام کار در اصل برای رفع نیاز است و در نظام تولید عادلانه، کار معمول باید بتواند نیازهای معمول را برآورده کند تا فرد محتاج به اضافه‌کاری نشود و بتواند ساعات خود را به‌طور بهینه و طبق دستور اسلام بین حوائج مختلف (عبادت، تأمین معاش و استراحت و لذت حلال) تقسیم کند. بنابراین درآمد عادلانه آن است که حداقل نیازهای معمول فردی با کار معمول را بدون ضربه‌زدن به سایر نیازها فراهم کند و کسی که با کیفیت بیش از معمول کار کند، مزد بیشتری دریافت کند. بنابراین اگر نسبت میانگین دریافتی کارگران معمول (از ناحیه سهم‌بری و غیر سهم‌بری) به میانگین درآمد مکفی برای رفع نیازهای طبیعی^۸ محاسبه شود، می‌توان میزان حداقل عدالت در درآمد کارگران را نشان داد. به همین

دلیل، درآمد بقیه مشارکت‌کنندگان در تولید نیز باید بتواند دست‌کم نیازهای طبیعی آن‌ها را نیز پوشش دهد؛ بنابراین منظور از نیروی کار در شاخص، تمامی عاملان مشارکت‌کننده در کار تولید می‌باشد. البته اقتصاد اگر بخواهد پویایی بیشینه به خود بگیرد، باید از حالت اقتصاد صرفاً عادلانه به اقتصاد احسانی ارتقا یابد «ان الله یامر بالعدل و الاحسان» (نحل: ۹۰). در اقتصاد احسانی بحث سهم‌بری خیلی می‌تواند ایفای نقش کند.

۳-۵. شاخص‌های طیب بودن منابع و کارگزاران تولید

چنان‌که گذشت، آخرین مقدمه برای حصول نتیجه (محصول نهایی طیب)، طیب بودن منابع و نیز کارگزاران تولید است. منابع تولید (از جمله مواد اولیه، منابع طبیعی، کار و سرمایه) طیب یعنی آن‌ها پاک، حلال، غیرمضر و با کیفیت باشند. کارگزاران تولید (کارفرما، سرمایه‌گذار، کارگر و ناظران تولید) نیز باید طیب باشند به این معنا که آنچه به‌عنوان کارگزار تولید برای ایشان مطلوب است را دارا باشند. برای محاسبه این معیار می‌توان شاخص‌های زیر را پیشنهاد نمود:

۳-۵-۱. نسبت ارزش منابع غیرطیب به کل تولیدات ناخالص داخلی

جهت ارائه شاخص برای غیرطیب بودن منابع تولید می‌توان شاخص «نسبت ارزش منابع تولید غیرطیب به کل تولیدات ناخالص داخلی» را ارائه نمود تا نشانگر میزان غیرطیب بودن تولیدات از این ناحیه باشد. با این شاخص درصد نهاده‌های غیرطیب (اعم از حرام، مضر،^۹ دارای اسراف،^{۱۰} کیفیت نامناسب و غیره) مشخص می‌گردد. همچنین برای محاسبه نسبت اسراف، که بخشی از غیرطیب بودن است (توکلی، ۱۳۹۱، ص. ۴۷) در تولیدات ناخالص داخلی، از آنجا که تولید ناخالص برابر است با ارزش ریالی مجموعه کالاها و خدمات تولیدشده در طول یک‌سال، بنابراین، اسراف می‌تواند در تمامی چهار بخش مصارف بخش خصوصی، سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، مخارج دولت و تراز خارجی به‌عنوان اجزاء تولید ناخالص به وجود آید. (رجایی و خطیبی، ۱۳۹۲، ص. ۷۶) اسراف در فرایند تولید و امور مرتبط به آن بیشتر به اتلاف منابع (اعم از نیروی کار، دارایی پولی، سرمایه فیزیکی و منابع طبیعی)، مربوط

می‌شود. مجموعه شاخص‌های اسراف در تولید اجمالاً در جدول زیر ارائه می‌شود:
(اقتباس از: رجایی و خطیبی، ۱۳۹۲)

جدول ۱: شاخص‌های اسراف در تولید

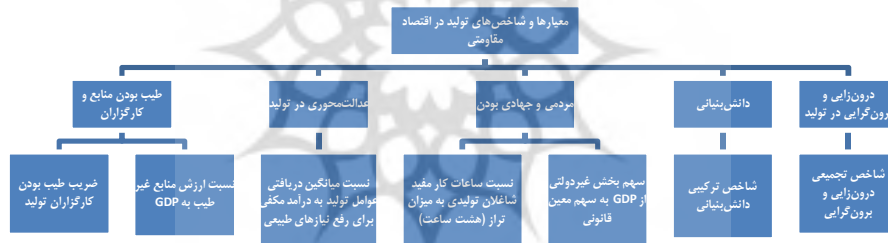
شاخص‌های پیشنهادی	قلمرو
بیکاری بیش از تراز (مثلاً ۵ درصد) فاصله بازده نیروی انسانی با بازده تراز	۱. نیروی انسانی (عدم بهره‌برداری کلی از نیروی انسانی، بازدهی کمتر نیروی انسانی)
حجم سرمایه راکد یا خارج شده از فرایند تولید به سفته‌بازی استهلاک و هدررفت بیش از حد سرمایه از جمله مواد اولیه و واسطه‌ای میزان بیش از تراز موجودی انبار	۲. دارایی پولی و سرمایه فیزیکی (رکود یا انحراف سرمایه، استهلاک سرمایه)
بهره‌برداری بیش از تراز از منابع طبیعی تجدیدپذیر و تجدیدنپذیر با نماگر ارزش ریالی منابع برداشت‌شده بیش از تراز در هر سال	۳. منابع طبیعی

بعد از تجمیع اسراف‌های در جدول بالا، با تقسیم آن بر کل تولید ناخالص داخلی، می‌توان درصد اسراف در تولید ناخالص داخلی را محاسبه نمود.

۳-۵-۲. ضریب طیب بودن کارگزاران تولید

جهت ارتقای تولید، لازم است کارگزاران تولید (سرمایه‌گذار، کارفرما، کارگر و ناظران تولید) نیز طیب بوده و ویژگی‌های مطلوب کارگزاران تولید را دارا باشند. به‌عنوان نمونه، اهمیت تعهد و وجدان کاری مسئولان در پیشبرد اهداف اقتصادی از جمله اهداف تولیدی، بر هیچ‌کس پوشیده نیست. اقتصاد مقاومتی نیازمند مدیریت کارگزاران علوی، پاک‌دست و امین است. (ر.ک: دیلمی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص. ۲۱۶) همچنین خودباوری و اعتمادبه‌نفس کارگزار و عامل تولید و باور به گزاره «ما می‌توانیم» نیز، یکی از مسائل بسیار ضروری و مهم برای ارتقای تولید در اقتصاد مقاومتی است. عامل تولید باید بتواند در مقابل رسوب تاریخی افکار منفی که توان خارجی را بالاتر از داخلی می‌داند ایستادگی کند و با همت و تلاش خود در عمل بر این فکر غلبه نماید.

برای طیب بودن کارگزار اجمالاً می‌توان ویژگی‌های مطلوب کارگزار را در دو بخش تعهد (اعم از اخلاص، وجدان کاری، خودباوری و اعتماد به نفس، پاکدستی و ویژگی‌های اخلاقی مطلوب دیگر) و تخصص (اعم از دانش و مهارت کافی کاری و ارتباطی) خلاصه نمود. برای تخصص مطلوب کارگزار می‌توان شاخص «نسبت میزان دانش و مهارت موجود کارگزار به میزان مطلوب» را ارائه کرد. جهت سنجش تعهد اخلاقی کارگزار تولید نیز، می‌توان شاخص «ضریب تعهد کارگزاران تولید» را تعریف نمود و برای محاسبه شاخص مزبور می‌توان ویژگی‌های مذکور را با همفکری روانشناسان، اساتید اخلاق و اقتصاددانان به سؤالاتی مناسب تبدیل نموده و با طراحی پرسشنامه‌های روانشناسی، به صورت سالانه از عاملان تولیدی نمونه‌گیری آماری انجام داد. بررسی و محاسبه ضریب اهمیت هر یک از این معیارها و شاخص‌ها نیازمند تحقیق جداگانه‌ای است.



نمودار ۲: معیارها و شاخص‌های تولید در اقتصاد مقاومتی

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

تولید ملی و تقویت آن، نقشی بسیار مهم را در تحقق اقتصاد مقاومتی ایفا می‌کند. رهبر معظم انقلاب، اهمیت و جایگاه تولید را در اقتصاد مقاومتی با تعبیر مختلفی، «ستون فقرات اقتصاد مقاومتی»، «حلقه اساسی پیشرفت اقتصاد»، «اساس کار» و «یکی از پایه‌های اصلی کار در اقتصاد» دانسته‌اند. از طرفی بخش مهمی از ویژگی «درون‌زایی» اقتصاد مقاومتی، با تقویت تولید حاصل می‌شود.

بنابراین کشف و معرفی معیارها و شاخص‌های تولید در اقتصاد مقاومتی، جهت سنجش اقتصاد مقاومتی در تولید بسیار ضروری است. در این مقاله با روش تحلیلی

توصیفی از طریق تبیین مفهومی و با بهره‌گیری از بیانات امام خامنه‌ای (مدظله)، پنج معیار درون‌زایی و برون‌گرایی در تولید، دانش‌بنیانی، مردمی و جهادی‌بودن، عدالت‌محوری در تولید و طیب بودن منابع و کارگزاران تولید، به عنوان معیارهای تولید در اقتصاد مقاومتی پیشنهاد گردید.

برای سنجش معیارهای بالا، شاخص‌های هفت گانه روبرو، (شاخص تجمیعی درون‌زایی و برون‌گرایی، شاخص ترکیبی دانش‌بنیانی، سهم بخش غیردولتی از تولید ناخالص داخلی به سهم معین قانونی، نسبت ساعات کار مفید شاغلان تولیدی به میزان تراز (هشت ساعت)، نسبت میانگین دریافتی عوامل تولید به درآمد مکفی برای رفع نیازهای طبیعی، نسبت ارزش منابع غیر طیب به کل تولیدات ناخالص داخلی و ضریب طیب بودن کارگزاران تولید) پیشنهاد گردید. هدف‌گذاری این شاخص‌ها می‌تواند ارتقای تولید طیب را به‌دنبال داشته باشد.

یادداشت‌ها

۱. قابلیت خودکفایی در زمان نیاز به‌گونه‌ای که عادتاً سبب اختلال در جامعه نشود.
۲. «امروز قوت در فضای مجازی حیاتی است؛ امروز فضای مجازی حاکم بر زندگی انسان‌ها است در همه دنیا؛ و یک عده‌ای همه کارهایشان را از طریق فضای مجازی پیش می‌برند؛ قوت در این [زمینه] حیاتی است.» (بیانات رهبری، ۹۹/۱/۳) یکی از دلایل مهم این تأکید می‌تواند تأثیرات فراوان حاکمیت دشمنان بر فضای مجازی بر شبکه عصبی ارتباطات و در نتیجه فرهنگ و سبک زندگی مردم باشد.
۳. تعداد عوامل تولید در شرایط مختلف با توجه به اهداف نظری، مکتب اقتصادی و ... متفاوت می‌باشد.
۴. دانش‌بنیان شدن مدیریت اقتصاد (واسطه مدیریتی) خود دارای سه زیر شاخص است: تولید دانش نظام‌سازی؛ ایجاد ساختار متناسب مدیریتی و انتخاب و انتصاب مدیر مناسب (دانش، ساختار، کارگزار). بر این اساس لازم است وضعیت مطلوب مدیریت ترسیم و بعد وضعیت موجود با توجه به فاصله طی شده در مسیر مطلوب معین شود. نسبت وضع موجود به مطلوب، تعیین‌کننده عدد دانش‌بنیانی واسطه مدیریتی است.
۵. سازمان صنایع کوچک و شهرک‌های صنعتی ایران و واحدهای تابعه استانی آن، به‌عنوان سازمان توسعه‌ای تعیین می‌شود و امور حاکمیتی آن‌ها مشمول واگذاری نمی‌باشد. (قانون اصلاح تبصره (۵) بند (الف) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ و الحاق دو تبصره به آن).

۶. کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آب‌رسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه‌آهن و مانند این‌ها.

۷. «للمؤمن ثلاث ساعات: فساعة یناجی فیها ربّه، و ساعه یرمّ معاشه، و ساعه یخْلِ بین نفسه و بین لذّتها فیما یحِلُّ و یجُمِّلُ»، (الرضی، ۱۴۱۴، ص ۵۴۵، ح ۳۹۰) «اجتهدوا فی أن یكون زمانکم أربع ساعات: ساعه لمناجاة الله، و ساعه لأمر المعاش، و ساعه لمعاشره الاخوان و الثقاة الذین یعرفونکم عیوبکم و یخلصون لکم فی الباطن، و ساعه تخلون فیها للذاتکم فی غیر محرم» (ابن شعبه، ۱۳۶۳، ص ۴۰۹) گویا روایت دوم، بخش سوم روایت اول را به دو بخش (معاشرت و سایر لذات غیر محرم) تفصیل داده است. اگر فرضاً سه زمان مساوی به هر یک اختصاص یابد، می‌توان میزان کار مفید یک مؤمن را هشت ساعت قلمداد کرد که تقریباً در آمارهای استخدامی نیز این میزان ساعت کاری برای کارگر یا کارمند در نظر می‌گیرند. هاشمی خوئی نیز در شرح روایت می‌گوید: «و یدلّ باعتبار التلیلث علی أنّ وقت العمل للمعاش ثمانی ساعات کما استقرّ علیه دأب کلّ الشعوب فی هذه العصور و سنّوه قانوناً للعمل و العمّال، و وقت الاستراحة ثمانی ساعات فانه مقرّر للثوم فی نظر الأطباء فیبقی ثمان للمناجاة و العبادة بمالها من المقدمات و التهیؤ». (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ج ۲۱، ص ۴۷۸).

۸. سنجش نیازهای طبیعی یک انسان تحقیق جداگانه‌ای را می‌طلبد که به‌طور مثال می‌توان در نیازهای غذایی، سنجش کالری مورد نیاز بدن و تبدیل آن به واحد پول و در مسکن، پوشاک و غیره و یا در همه نیازها، در نظر گرفتن شأن افراد یا در نظر گرفتن میانگین مصرف افراد جامعه در آن محصولات را مدنظر قرار داد.

۹. نهاده مضر نهاده‌ای است که کاربرد آن موجب تولید محصول مضر برای انسان می‌شود، به‌عنوان مثال مواد اولیه تراریخته که در کشاورزی و دامداری مورد استفاده قرار می‌گیرد یا برخی الیاف یا سایر مواد عقیم‌کننده مورد استفاده در صنعت پوشاک و محصولات بهداشتی.

۱۰. انتخاب رویه مسرفانه در استفاده از نهاده‌ها (مانند استفاده زیاد آب، سرمایه، منابع طبیعی و غیره در تولید)، هم برآمده از خبث است و هم سبب از بین رفتن برکت و در نتیجه ایجاد خبث می‌شود و خبث نیز سبب نکد (کم برکتی) و عدم طیبیت می‌شود «و البلد الطیب ینخرج نباته باذن ربّه و الذی خبث لا ینخرج الا نکدا» (اعراف: ۵۸).

کتابنامه

قرآن کریم

ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله (۱۴۰۴ق)، شرح نهج البلاغه، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول، قم: جامعه مدرسین.

ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب (۱۵ج)، بیروت: دار صادر.

احمد بن فارس، ابوالحسین (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة (۶ج)، قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

امامی، ابوالفضل (۱۳۹۸ق)، معرفت دینی یا دین معرفتی، طبس: فراونگ.

بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ق)، القواعد الفقهية (۷ج)، قم: الهادی.

بجنوردی، سید محمد (۱۴۰۱ق)، قواعد فقهیه (۲ج)، تهران: عروج.

پیغامی، عادل؛ شریفزاده، محمدجواد؛ سمیعی نسب، مصطفی و حسینزاده، سعید (۱۳۹۵)، اقتصاد

مقاومتی از منظر سیره نبوی (عَلَيْهِ السَّلَام)، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).

پیغامی، عادل؛ سعدآبادی، علی اصغر و عظیمی، آرین (۱۳۹۵)، پایش اقتصاد مقاومتی، تهران: دانشگاه

امام صادق (ع).

توکلی، محمدجواد (۱۳۹۱)، «شاخص تولید خالص داخلی طیب»، معرفت اقتصاد اسلامی، ۳ (۶)،

صص ۲۹-۵۳.

توکلی، محمدجواد (۱۳۹۸)، شاخص تولید طیب، قم: موسسه امام خمینی (ع)، (با همکاری عباس

شفیعی نژاد).

جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ق)، الصحاح (۶ج)، بیروت: دار العلم للملایین.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹)، تفصیل وسایل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه (۳۰ج)، قم:

موسسه آل البيت (ع).

خامنه‌ای، سید علی، مجموعه بیانات. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر امام خامنه‌ای، www.leader.ir.

خلیلیان، محمد جمال و همکاران (۱۳۹۳)، معیارها و شاخص‌های پیشرفت انسانی از دیدگاه اسلام، قم:

موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع).

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۶)، جواهر الأصول (۶ج)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

خمینی، سید روح‌الله (۱۳۸۹)، صحیفه امام (۲۲ج)، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

خمینی، سید روح‌الله (۱۴۱۵ق)، مکاسب محرمة (۲ج)، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ع).

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، لغتنامه دهخدا (۱۵ج)، تهران: دانشگاه تهران.

دیلمی، حسن (۱۴۱۲ق)، ارشاد القلوب الی الصواب (۲ج)، قم: شریف رضی.

رجایی، محمدکاظم و خطیبی، مهدی (۱۳۹۲)، شاخص اسراف و معیارهای آن، قم: المصطفی.

رجایی، محمدکاظم و همکاران (۱۳۹۴)، درآمدی بر شاخص‌های اقتصادی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، قم: مؤسسه امام خمینی (عج).

رجایی، محمدکاظم (۱۳۸۶)، معجم موضوعی آیات اقتصادی قرآن، قم: مؤسسه امام خمینی (عج).
رجایی، محمدکاظم (۱۳۹۸)، «معیارهای عدالت اقتصادی»، اقتصاد و بانکداری اسلامی، (۲۹)، صص ۲۱۱-۲۳۲.

رضایی، اعظم؛ چیدری، امیرحسین و مرتضوی، سید ابوالقاسم (۱۳۸۹)، «بررسی ظرفیت‌های صادراتی محصولات کشاورزی ایران به کشورهای عضو سازمان کنفرانس اسلامی»، فصلنامه تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۱، (۴)، صص ۴۵۵-۴۶۶.

سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (مصوب ۱۳۸۴/۳/۱ و ۱۳۸۵/۴/۱۰)، بند (الف)، (ب) و (ج) و (ح) الشرتونی اللبنانی، سعید الخوری (۱۴۱۶ق)، اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد (ج۵). تهران: اسوه. شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، نهج البلاغه (صبیحی صالح، محقق و مصحح). قم: هجرت. شیخی ده‌آبادی، مجتبی (۱۴۰۰)، راهبردهای ارتقاء تولید ملی در اقتصاد مقاومتی (مطالعه موردی تولیدات استان قم)، رساله دکتری، راهنما: سید محمد کاظم رجایی، قم، مؤسسه امام خمینی (عج)، در حال تدوین نهایی.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، الامالی، قم: دارالثقافه.
عزیزی، فیروزه و مرادی، فهیمه (۱۳۹۷)، «محاسبه شاخص‌های اصلی و فرعی اقتصاد دانش‌بنیان برای ایران»، پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی، (۸۵)، صص ۲۴۳-۲۷۰.

عمید، حسن (۱۳۸۹)، فرهنگ عمید، تهران: اشجع.
فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۹)، فرهنگ علوم اقتصادی (انگلیسی فارسی)، تهران: پیکان.
فرهنگ، منوچهر (۱۳۷۴)، فرهنگ علوم اقتصادی (فارسی انگلیسی)، تهران: البرز.
قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی (مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۸) مجلس شورای اسلامی.
قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۴۴.

قانون اصلاح تبصره (۵) بند (الف) ماده (۳) قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی و الحاق دو تبصره به آن (مصوب ۱۳۹۲/۱۱/۳۰).

قانون برنامه پنج‌ساله پنجم جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵) مجلس شورای اسلامی.
قانون برنامه پنج‌ساله ششم جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۹۶/۱/۱۶) مجلس شورای اسلامی.
قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن (ج۷)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
کراجکی، محمد (۱۴۱۰ق)، کنزالفوائد (ج۲)، قم: دارالذخائر.

مغزی، مرضیه؛ کاظم نژاد، مهدی و مقدسی، رضا (۱۳۹۱)، بررسی ظرفیت‌های صادراتی محصولات کشاورزی ایران به کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS)، همدان: اولین همایش ملی توسعه پایدار کشاورزی و محیط زیست سالم.

- مصطفوی، حسن (۱۴۰۲ق)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم (۱۴ج)، تهران: مرکز کتاب لترجمه و النشر. معین، محمد (۱۳۸۸)، فرهنگ فارسی (۶ج)، تهران: امیرکبیر.
- منظوری، آزاده؛ نظریور، محمدتقی؛ و رضایی، مجید (۱۳۹۵)، «اصول و معیارهای اقتصاد مقاومتی در عرصه تولید، توزیع و مصرف با نگاهی به آموزه‌های قرآنی» (با تأکید بر سوره توبه). دو فصلنامه پژوهش‌های اقتصاد مقاومتی، (۱)، صص ۵۵-۹۰.
- هاشمی خویی، میرزا حبیب‌الله (۱۴۰۰)، منهاج البراعة فی شرح نهج البلاغة (۲۱ج)، تهران: مکتبه الاسلامیه. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۸)، درس‌نامه اقتصاد مقاومتی، تهران: آفتاب توسعه. (با همکاری مجتبی غفاری و ساجد صمدی قربانی).
- یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵آ)، مبانی و مدل‌های مشارکت‌های مردمی در اقتصاد مقاومتی، شهرکرد: مقاومت. یوسفی، احمدعلی (۱۳۹۵ب)، نظام اقتصاد مقاومتی (ماهیت، مبانی، اهداف، ساختار، اصول راهبردی و مدل‌های اجرایی)، قم: نگاه فارسی.

References

- The Holy Quran.*
- Ibn Abelhadi, Abdolhamid ibn Hebatollah (1404), *The commentary of Nahj al-Balagheh*. Qom: Maktaba Ayatollah Marashi Najafi.
- Ibn Sho'be Harrani, Hassan ibn Ali (1363), *Tohaf al-Oghol*. Qom: The lecturer's community.
- Ibn al-Monzer, Muhammad ibn Mokram, (1414), *Lisan al-Arab*, (15vols). Beirut: Dar Sader.
- Ahmad ibn Fares, Abolhossein. (1404), *The Dictionary of Maqais al-Loqah* (6vols). Qom: Islamic Advertising Bureau.
- Emami, Abolfazl, (1398), *Religious knowledge or noetic religion*. Tabas: Faravang.
- Bojnordi, Seyyed Hassan (1419), *Al-Qava'ed al-Feqhie* (7vols). Qom: Al-Hadi
- Bojnordi, Seyyed Mohammad (1401), *Qava'ed Feqhie* (2vols). Tehran: Oroj.
- Peiqami, Adel, Sharifzade, Mohammad Javad, Sami'inasab, Mostafa, & Hosseinzade, Sa'id (1395), *Resistive Economics from the perspective of Prophet Mohammad Sireh* (s). Tehran: Imam Sadeq University (as)
- Peiqami, Adel, Sa'dabadi, Aliasqar & Azimi, Arian (1395), *Monitoring of Resistive Economics*. Tehran: Imam Sadeq University (as).
- Tavakoli, Mohammad Javad (1391), Tayyeb GDP Index. *Ma'rifat-e Eghtesad-e Islami*, 3 (6), 29-53.
- (1398), *Tayyeb production Index*. Qom: The Imam Khomeini Institute (with co-operation Abbas Shafie Nejad)
- Johari, Esmail ibn Haddad (1410), *Al-Sehah* (6vols). Beirut: Dar al-Elm al-malain.
- Hor Amoli, Mohammed bin Hassan, (1409), *Detailed Al-Shi'a Tools for the Study of Al-Shari'a Issues* (30vols). Qom: Al-Bait Institute (as).
- Khamenei, Seyyed Ali, Collection of Lectures. The information base Office of the Imam Khamenei, Retrieved From www.leader.ir.
- Khalilian, Mohammad Jamal & associates (1393), *Criteria and indicators of human progress from the perspective of Islam*. Qom: The Imam Khomeini Educational & Research Institute.
- Khomeini, Seyyed Ruhollah (1376), *Javaher al-Osol* (6vols). Tehran: Institute for Compilation & Publication of Imam Khomeini's works.

- (1389), *Imam's Sahife*. (22vols). Tehran: Institute for Compilation & Publication of Imam Khomeini's works.
- (1415), *Makaseb Moharrama* (Unlawful Businesses) (2vols). Qom: Institute for Compilation & Publication of Imam Khomeini's works.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1377), *Dehkhod's Dictionary* (15vols). Tehran: University of Tehran.
- Deilami, Hassan (1412), *Ershad al-Qolob Ela al-Thavab*. (2vols). Qom: Sharif Razi.
- Rajai, Mohammad Kazem & Khatibi, Mahdi (1392), *Waste index & her criteria*. Qom: al-Mustafa.
- & associates (1394), *Income on the economic indices of the Islamic-Iranian paradigm for progress*. Qom: The Imam Khomeini Institute.
- (1386), *Thematic Dictionary of Economic Verses of the Quran*. Qom: The Imam Khomeini Institute.
- (1398), Criteria for Economic justice. *Economic & Islamic banking*, (29): 211-232.
- Rezai, A'zam, Chizari, Amir Hossein & Mortazavi, Seyyed Abolqasem (1389), Review export capacities of Iranian agricultural products to Countries of Member of the Organisation of the Islamic Conference. *The Quarterly of Economic Research & Development of Agriculture in Iran*, 41 (4), 455-466.
- General policies of Principle 44 constitutional law (certified 1384/3/1 & 1385/4/10), clause (a), (b) & (c).
- Al-Shertoni al-lebanese, Saeed al-Khoari (1416), *Agrab al-Mavared Fei Fosah al-Arabia & al-Shavared* (5vols). Tehran: Osvah.
- Sharif al-Razi, Mohammad ibn Hossein (1414), *Nahj al-Balagheh* (Sobhi Saleh, researcher & emendator). Qom: Hijrat.
- Sheikhy Dehabadi, Mojtaba (1400), *Strategy for boosting national production in the resistive economy* (With study on Qom's productions). Thesis, Supervisor: Seyyed Mohammad Kazem Rajaei, Qom, The Imam Khomeini Educational & Research Institute, setting up final..
- Tusi, Mohammad ibn Hossein (1414), *Al-Amali*. Qom: Dar al-Theqafe.
- Azizi, Firoze, Moradi, Fahime (1397), Calculation of main and sub-indices of knowledge-based economy for iran. *Economic research and policy*, (85), 243-270.
- Amid, Hassan (1389), *Amid's dictionary*. Tehran: Ashja'.
- Farhang, Manochehr (1379), *The dictionary of economic sciences*. (English-Persian). Tehran: Peikan.
- (1379), *the dictionary of economic sciences*. (Persian-English). Tehran: Alborz.
- The law of Running General policies of Principle 44 constitutional law (certified 1386/11/8) Islamic Parliament of Iran.
- The constitutional law of IRI, Principle 44.
- The law of correction of annotation (5) Clause (a) article (3) the law of Running General policies of Principle 44 constitutional law & supplement 2 annotation to it, (certified 1392/11/30).
- Fifth Five-Year-Old Plan law of IRI (certified 1389/10/15) Islamic Parliament of Iran.
- Sixth Five-Year-Old Plan law of IRI (certified 1396/1/16) Islamic Parliament of Iran.
- Qurashi, Seyyed Ali Akbar (1412), *The vocabulary of the Quran* (7vols). Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyah.

- Karajaki, Mohammad (1410), *Kanz al-Favaed* (2vols). Qom: Dar al-Zakhaer.
- Maqzi, Marziah, Kazemnejad, Mahdi & Moqadasi, Reza (1391), *Review export capacities of Iranian agricultural products to Commonwealth of Independent States*. Hamadan: First National Convention on Sustainable development of agriculture and healthy environment.
- Mustafavi, Hassan (1402), *Al-Tahqiqh Fie Kalemata-e al-Quran-e al-Karim* (14vols). Tehran: Markaz al-Ketab al-tarjoma and al-nashr.
- Moin, Mohammad (1388), *The Persian dictionary* (6vols). Tehran: Amirkabir.
- Manzori, Azade & Nazarpour, Mohammad Taqhi & Rezai, Majid (1395), Principle & criteria in the field of production, distribution and consumption with looking at the teachings of the Quranic (With emphasis on the Tobe Surah). *Magazine of resistive economy research*, (1), 55-90.
- Hashimi Khoie, Mirza Habibollah (1400), *Menhaj al-Bara'a Fie Sharh-e Nahj al-Balagheh* (21vols). Tehran: Maktaba al-Islamiyah
- Yusufy, Ahmad Ali (1398), *Textbook of resistive economics*. Tehran: The sun of development. (with co-operation Mojtaba Qaffari & Sajed Samadi Qorbani)
- (1395a), *the foundations and models of popular participation in the resistive economy*. Shahr-e kord: Resistance.
- (1395b), *resistive economy system* (The essence, principles, goals, structure, strategic principles, and executive models). Qom: Persian eye.